



پی‌نوشت:

[1]. ИСАП1, <https://isap.center/analyt-ics/65>

[2]. ИСАП1, <https://isap.center/analyt-ics/65>

[3]. ИСАП1, <https://isap.center/analyt-ics/65>

[4]. Дмитрий Симоненко, <https://telegraf.com.ua/mir/2021-09-02/5682167-yav-lyayutsya-li-taliban-i-igil-soyuznikami-v-afganistane-vzglyad-v-istoriyu>

[5]. Умарбек Нуриддинов, <https://russian-council.ru/blogs/nuriddinov-umarbek/dvizhenie-taliban-i-igil-khorasan-sosushchestvovanie-sotrudnichestvo-il/>

[6]. ИСАП1, <https://isap.center/analyt-ics/65>

[7]. ИСАП2, <https://isap.center/analyt-ics/66>

[8]. Александр Князев, <https://ia-centr.ru/experts/aleksandr-knyazev/taliban-i-igil-byt-li-im-veste/>

[9]. Александр Ставер, <https://topwar.ru/187750-igil-i-taliban-v-afganistane-kak-budut-razvivatsja-sobytaja-dalshe.html>

[10]. Дом, <https://kanaldom.tv/ru/v-chem-razlichie-mezhdu-igil-i-talibanom-mnenie-ekspertov-video/>

[11]. Александр Ставер, <https://topwar.ru/187750-igil-i-taliban-v-afganistane-kak-budut-razvivatsja-sobytaja-dalshe.html>

اهمیت داعش در چارچوب منافع منطقه‌ای اش تأثیری گذارد.

مسکو رسماً با آشتی ملی در افغانستان و مذاکرات میان دولتی با طالبان مخالفت نکرد. پس از سال ۲۰۱۴، مقامات روسی بارها تأکید کرده‌اند که پیروزی نظامی بر طالبان قابل بحث نیست. در این زمینه، نزدیکی مشخصی بین روسیه و پاکستان به عنوان بازیگر اصلی منطقه‌ای و پرنفوذ بر طالبان آغاز شد. در این زمینه، گزارش‌هایی مبنی بر تماس مستقیم محدود روسیه با نمایندگان طالبان در مورد کمپین مسلحانه آنها علیه داعش منتشر شد.

با این حال، همان طور که در بالا ذکر شد، داعش یک پدیده چند وجهی است و چالش‌های مرتبط با آن برای یک منطقه خاص متفاوت است. از این نظر، سه چالش اصلی برای آسیای مرکزی و کشورهای پسا شوروی وجود دارد که برای فدراسیون روسیه بسیار حائز اهمیت است:

- ۱- بسیج نیروهای محلی و اعزام آنها به عنوان جنگجویان تروریست خارجی به منطقه سرزمینی داعش در سوریه و عراق و همچنین امکان بازگشت آنها از خاورمیانه به کشورهای مبدأ (بویژه از اواسط سال ۲۰۱۶)
- ۲- رادیکال‌سازی نیروهای خودمختار محلی که به شدت تحت تأثیر تبلیغات و ایدئولوژی جهاد جهانی داعش قرار دارند.
- ۳- امکان ورود مستقیم عناصر داعش از کشورهای همسایه - افغانستان و پاکستان - به آسیای مرکزی. [۱۸]

سخن پایانی

به دنبال به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان آن هم تسخیر تقریباً بدون خشونت کابل که دلایل آن را عموماً فرار ارتش و دولت می‌دانند، مقامات سایر کشورها نیز مسیر جدیدی از سیاست خارجی را در قبال افغانستان در دستور کار خود قرار دادند. به عنوان مثال، چین، ترکیه و روسیه مصمم به ایجاد روابط با قدرت تازه ظاهر شده در افغانستان هستند و چنین تصمیمی نه تنها با منافع ژئواستراتژیک، بلکه با منافع اقتصادی نیز قابل توجیه است. با برقراری روابط مسالمت‌آمیز با طالبان، راه‌های جدیدی به منظور اجرای پروژه‌های انرژی برای چین و فدراسیون روسیه باز می‌شود و فرصتی برای برقراری تعاملات تجاری، اقتصادی و دیپلماتیک در منطقه وجود دارد که تاکنون برای آنها غیرقابل دسترس بوده است. علاوه بر این، با حل و فصل احتمالی منازعات داخلی و استقرار قدرت رسمی و شناخته شده، طالبان حتی ممکن است در صحنه جهانی به عنوان عاملی جدی برای سرکوب تهدیدات ناشی از گسترش افراط‌گرایی مانند داعش، القاعده و بسیاری از سازمان‌های دیگری که با طالبان مقابله می‌کنند، ظاهر شود.

با این حال، به دلیل بی‌اعتمادی حاکم برجامعه جهانی نسبت به طالبان که با تحریکات و اقدامات تروریستی متعددی که تاکنون طالبان مسئولیت آن را به عهده گرفته است، اکثر کشورهای جهان روی کار آمدن طالبان را منفی می‌بینند. همچنین، علاوه بر مشکلات ناشی از این بی‌اعتمادی، گزارش‌هایی در رسانه‌ها در مورد احتمال انشعاب در این گروه در حال منتشر شدن است. بر اساس اظهارات برخی خبرگزاری‌ها، رهبران شاخه‌های مختلف طالبان برای نفوذ و رهبری در کشور وارد مبارزه شده‌اند.

اما از جمله وظایف اولویت دار طالبان مدرن دستیابی به صلح در داخل کشور و به رسمیت

